

جایگاه علمی و دانشگاهستری ابو عبید قاسم بن سلام هروی

نویسنده: پوهنوال فضل الرحمن فقیهی

چکیده

ابو عبید قاسم بن سلام هروی (۱۵۰ - ۲۲۴ ه.ق.) از دانشمندان هرات در دوره طاهریان بود که از نبوغ استعداد وافر و برخورداری بوده است. وی نخست در هرات و سپس در سایر مراکز دانش رشد علمی و ادبی یافت. توانایی علمی وی باعث شد تا در نزد امیران طاهری و در دار الخلافه جایگاه عالی را به دست آورد. ابو عبید دارای مناعت نفس و متحلی به اخلاق و تقوا بود. وی در فقه اسلامی به جایگاه اجتهاد رسیده بود، در روایت حدیث از افراد ثقه به شمار می‌رفت و در حوزه تفکر و اندیشه صاحب نظر بود. او در ادبیات عرب مرتبه بلندی داشت و دارای تألیفات ارزشمندی در علوم روزگار خود بود که شماری از آثارش مورد توجه و استفاده اهل علم قرار گرفته است. ارزشمندی آثار باقی مانده از ابو عبید می‌رساند که وی در گسترش دانش و ادب سهم ارزنده و قابل اعتنایی داشته است.

واژه‌گان کلیدی: ابو عبید، هرات، طاهریان، مرتبه اجتهاد، جایگاه علمی، جایگاه ادبی، دانشگاهستری.

مقدمه

هرات باستان در طول تاریخ سرزمین خراسان، هم در این حوزه و منطقه و هم در سطح تمام جهان یکی از مهمترین مراکز دانش و فرهنگ به شمار رفته است. دانش پروری هریوا زمین چنان قوت و شهرت داشته که اهل دانش، خاک آن را خمیره دانش گفته اند.

در این سرزمین دانشمندان زیاد و ناشماري پديد آمده اند، رشد کرده اند و آثار گرانبهائي را در حوزه هاي گوناگون علوم از خود به يادگار گذاشته اند. نبوغ استعدادها در هرات از همان آوان ظهور اسلام مشاهده شده و از اینجا در قرون نخستين اسلامي شخصيت هايي سربرآورده اند که در توليد دانش و تمدن مشهور جهان شده اند.

يکي از نام آوران عرصه دانش و تحقيق، ابو عبيد قاسم بن سلام هروي است که در دوره طاهريان از هرات سربرآورد و شهره آفاق شد. شايد به دليل آنکه ابو عبيد سال هاي آخر عمر خود را در مکه مکرمه سپري کرد و نيز تأليفات وي به زبان عربي بوده است؛ از اينرو در هرات و در خراسان زمين کمتر شناخته شده و اهل علم با وي و آثار او کمتر آشنائي دارند؛ بنابراين بيان جايگاه علمي و دانش گستري اين مرد بزرگ از ضرورتهاي مبهم براي اهل دانش و مطالعه است. در اين مقاله نبوغ استعداد و جايگاه علمي ابو عبيد مورد پژوهش قرار مي گيرد تا اين ضرورت علمي برآورده شود.

مولد، نسب و شخصيت ابو عبيد

ابو عبيد قاسم بن سلام از دانشمندان متبحر، معروف و داراي نبوغ استعداد است که در دوره طاهريان از هرات سر برآورد، شهره آفاق شد و بسيار در حوزه علوم شرعي و ادبي مطرح گرديد. او که با کُنیه ابو عبيد معروف است، نامش قاسم و فرزند سلام با تشديد لام بوده است.

وي در سال ۱۵۰ ه.ق. و به قولي در سال ۱۵۴ ه.ق. در شهر هرات تولد شد. پدر ابو عبيد که برده آزاد شده يي بود، دانش و ادب را بسيار دوست مي داشت؛ از اينرو فرزندش قاسم را براي آموزش نزد ارباب خط و دانش برد و گفت که قاسم را آموزش دهيد که زيرک و با استعداد است (داوودي، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۴۹).

برخي دانشمندان به گونه اشتباه ابراز نظر کرده اند که گويا «ابو عبيد قاسم بن سلام اصلاً غلام يکي از مردم هرات بوده است» (صفا، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۱۲۴)؛ اما اهل تحقيق از تذکره نويسان

بر این نظر اند که وی آزاد تولد شده و آزاد زیسته است و این پدرش بوده که غلام یکی از هراتیان بوده و سپس آزاد گردیده است. دلیل آزادی پدرش از بردگی آن است که بعد از سفر به جانب بغداد، متولّی امور «ازد» شده بود (داوودی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۴۹)؛ یعنی که اگر از بردگی آزاد نمی شد، چه گونه وظیفه دار امور ازد می شد. ذهبی در اثر معروفش سیر اعلام النبلاء گفته است: «پدر قاسم بن سلام، رومی و مملوک یکی از افراد هراتی بود» (الذهبی، ۱۴۰۵: ج ۱۰، ص ۴۹۱).

به اساس آنچه محمد المنجد، دانشمند عرب یادآور شده، ابو عبید به سن ۷۳ سالگی در مکه از جهان رحلت کرده است (المنجد، ۲۰۱۰). تاریخ وفات وی را روز چهارشنبه دوازدهم محرم سال ۲۲۴ هجری ذکر کرده اند (صفا، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۱۲۴؛ داوودی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۵۸). در سبب ماندن و اقامت ابو عبید در حرم مکه مکرمه، نقل کرده اند که وی بعد از ادای حج اراده داشت به سوی عراق باز گردد؛ حتی راحله‌یی را به کرایه گرفته بود. شبی که فردای آن اراده داشت تا حرکت کند، رسول الله، صلی الله علیه وسلم، را به خواب دید که نشسته اند و گروهی از مردم ایشان را احاطه کرده اند؛ طوری که مردم داخل می شوند، سلام تقدیم می کنند و بعد مصافحه می نمایند. وی هرچه نزدیک می شد تا با مردم نزد شان برود بازداشته می شد. آخر گفت: چرا میان من و رسول الله، صلی الله علیه وسلم، خلوت نمی گذارید؟ گفتند: سوگند به خدا که تو نمی توانی به نزد ایشان داخل شوی و سلام تقدیم کنی؛ زیرا فردا به سوی عراق رهسپار می شوی. او نقل کرده که من گفتم، پس نمی روم. آنان از من عهد گرفتند و بعد مرا اجازه دادند. آنگاه من داخل شده سلام تقدیم داشتم و با من مصافحه نمودند. فردای آن شب، عزم سفر به عراق را فسخ کردم و در مکه سکونت گزیدم (داوودی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۵۸).

استغنا و مناعت نفس

روایاتی که حاکی از زنده گی ابو عبید قاسم بن سلام است می رسانند که وی مردی دارای استغنای طبع و مناعت نفس بوده است. او چنان استغنا داشت که وقتی طاهر بن عبدالله از وی خواست تا به خانه اش رود و از کتاب غریب الحدیث برای او در منزلش بخواند، به خاطر بزرگداشت حدیث رسول الله به این کار حاضر نشد و این خواهش را نپذیرفت؛ بلکه طاهر بن عبدالله جهت شنیدن حدیث به نزدش می آمد. هنگامی که ابو عبید با عبد الله بن طاهر و در کنار او

بود، ابودلف العجلی برایش سی هزار درهم تقدیم داشت؛ اما ابوعبید نپذیرفت و گفت: من در کنار شخصی قرار دارم که مرا نیازمند بخشش دیگران نساخته؛ بدین طریق صلّه او را قبول نکرد. هنگامی که به نزد عبد الله بن طاهر بازگشت، به عوض صلّه ابودلف مبلغ سی هزار دینار را برایش تقدیم داشت. ابو عبید گفت: ای امیر، من این را پذیرفتم، تو مرا با خوبیها و احسان‌هایت از بخشش‌های دیگران بی‌نیاز ساختی. اکنون من لازم می‌بینم که با این مبلغ، اسلحه و اسپانی را خریداری نمایم و با آن‌ها به سوی مرزهای کشور اسلامی برای دفاع روی بیاورم تا ثواب آن شامل حال امیر نیز بشود و چنین کرد (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ج ۱۴، ص ۳۹۲). این سرگذشت و داستان، توجّه طاهریان به ابوعبید و نیز استغنا و عزت نفس وی را نمایان می‌گرداند.

مرتبه علم و اجتهاد

ابوعبید در همه حوزه‌های علوم روزگار خود جایگاه والا داشت. او به حدیث و ادب و فقه اشتغال داشت، در علوم مختلف متفنن بود و از متخصصان دوران امارت عبدالله بن طاهر به شمار می‌آمد که شهرت بسزایی کسب کرده بود (صفا، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۱۲۴). جاحظ که در عقیده و تفکر خویش معتزلی بود و طبعاً با ابوعبید اتحاد رأی و اندیشه نداشت، باز هم به جایگاه علمی و دانش وی اعتراف کرده و گفته است: «ابوعبید قاسم بن سلام از جمله دانشمندانی است که معلم، فقیه، محدّث، نحوی، عالم به کتاب و سنت، عالم به ناسخ و منسوخ، عالم به غریب الحدیث و اعراب قرآن است» (داوودی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۵۵). ابراهیم الحری در باره وی گفته است: «ابوعبید قاسم بن سلام را دیدم، او مانند کوهی است که در او روح دمیده شده باشد...» (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ج ۱۴، ص ۳۹۲). وقتی از ابو قدامه در باره امام شافعی، احمد بن حنبل، اسحاق و ابی عبید پرسیده شد، او در پاسخ گفت: فهمیده‌تر شان شافعی، پرهیزگارتر شان احمد بن حنبل، باحافظه‌تر شان اسحاق بن راهویه و دانشمندتر شان به لغات عرب، ابوعبید است (داوودی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۵۵). احمد بن کامل القاضی گفته است: «ابو عبید قاسم بن سلام در دین و علم خویش بزرگواری بود. وی عالم ربانی بود و در اصناف علوم از جمله در قرآن، فقه، زبان عربی، اخبار و روایت مهارت داشت (القفطی، ۱۴۲۴: ج ۳، ص ۱۹). ابوعبید مورد توجّه بزرگترین دانشمندان بوده و وی را ستوده اند. «شیخ الحدیث اسحاق بن

راهویه گفته است: خداوند سخن حق را دوست دارد؛ ابوعبید از من فقیه تر و عالم تر است» (خطیب بغدادی، ۱۳۲۲: ج ۱۴، ص ۳۹۲).

جایگاه ابوعبید در فقه و اجتهاد اسلامی به حدی بود که با بزرگترین فقها مناظره علمی داشته است. مناظره وی با امام شافعی رحمه الله که از معاصران وی بود، در مورد معنای «قُرء» که آیا طهر است یا حیض، معروف و مشهور است (السبکی، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۱۵۴). هرچند تذکره نویسان امام شافعی را از شیوخ ابوعبید برشمرده اند، با آن‌هم این مناظره بیانگر توانایی و مرتبه بلند ابوعبید در فقه اسلامی و اجتهاد است (المنجد: ۲۰۱۰).

ذهبی در کتابش «مختصر العلو للعلی العظیم» در باره وی گفته است: «ابوعبید از امامان اجتهاد است، او در علم اللغه سردار است؛ این کافی است که اسحاق بن راهویه گفته است: خداوند انصاف را دوست دارد، ابوعبید از من و شافعی و احمد دانشمندتر است» (ذهبی، ۱۴۱۶: ص ۱۸۶).

در روایت حدیث

ابوعبید به روایت حدیث نیز اشتغال داشته است و او را از راویان ثقه و محل اعتماد برشمرده اند. احمد بن کامل القاضی گفته است: «او حسن الروایت و صحیح النقل بود و هیچ کس را نمی‌شناسم که در علم و دین بر او طعن وارد کرده باشد» (القفطی، ۱۴۲۴: ج ۳، ص ۱۹).

جایگاه ابوعبید در روایت حدیث به حدی بوده که دانشمندان و راویان حدیث نبوی از دیر باز تا کنون به روایات او استناد جسته اند. امام بخاری، رحمه الله، در اثرش «الادب المفرد» به سخنان و نظرات وی در تفسیر غرایب احادیث نبوی استناد جسته است (بخاری، ۱۴۱۸: ص ۷۴ و ص ۲۲۱). به همین گونه از محدثان معاصر امام البانی، رحمه الله، در آثارش به نظرات و روایات ابوعبید استدلال جسته است؛ چنانچه به گونه مشخص در اثرش «صفة صلاة النبي صلى الله عليه وسلم» (البانی، ۱۴۲۷: ج ۲، ص ۸۰۶) و اثرش «ارواء الغلیل» (البانی، ۱۴۰۵: ج ۳، ص ۲۲۵، ۲۵۳، ۲۶۰) چنین استدلالهایی قابل مطالعه اند.

جایگاه ادبی

ابوعبید در ادبیات و علم اللغة (واژه شناسی) جایگاه بس والایی داشته و او را امامان این حوزه از علوم می‌توان دانست. نظرهای دانشمندان بر فضایل و بزرگی قاسم بن سلام و بر جایگاه علمی و ادبی او دلالت دارد.

جاحظ از بزرگان ادب عربی به بزرگی ابوعبید در ادبیات اقرار داشته و به پختگی آثار ادبی وی قایل بوده و گفته است: «او ادیبی است که هیچ کس صحیح‌تر و سودمندتر از کتابهایش ننوشته است» (داوودی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۲۵۵).

اهل تحقیق و تذکره نویسان او را از معروفترین دانشمندان حدیث و لغت شمرده اند؛ چنانچه زبیدی در تاج العروس از وی روایت کرده است (أبو زید، ۱۴۰۷: ص ۵۳). ابن سینای بلخی که از نوایغ روزگار خود بوده، به آثار قاسم بن سلام توجه داشته و از آنها استفاده برده است. از وی نقل شده که گفته است: «آنچه استاد مرا بدان مکلف داشته بود، حفظ کتاب الصفات و کتاب غریب المصنف بود» (القزوینی، ب.ت: ص ۲۹۹).

وی هم در زمان خودش و هم در دوره‌های بعد تا امروز، همواره مورد تمجید و توصیف بزرگان علم و ادب قرار گرفته و همه به مرتبه و مقام علمی و ادبی وی قایل بوده اند. وی کتاب‌های بسیاری در غریب الحدیث، معانی قرآن، شعر و ادب و لغت و نحو تألیف کرده است؛ از اینرو وی را از جمله راویان ادب نیز دانسته اند (صفا، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۱۲۴).

جایگاه اجتماعی و سیاسی

توانایی علمی ابوعبید باعث شده بود که وی در نزد حاکمان و امیران وقت از جایگاه والایی برخوردار باشد و در نزد شان محترم و معزز بماند و حتی به وظایفی مقرر گردد. بر اساس آنچه در کتاب‌های تراجم ثبت شده، او مدتی را به تربیه علمی اولاد هرثمه بن اعین یکی از والیان خلیفه عباسی در خراسان پرداخت. بعد از آنکه در سال ۱۷۷ هجری هرثمه به بلاد افریقا موظف شد، وی به تربیه علمی اولاد ثابت بن نصر بن مالک الخزاعی مصروف گردید؛ چون ثابت بن نصر، والی طرطوس گردید، ابوعبید در مدت امارت وی که هجده سال را در بر گرفت، متولی امور قضایی طرطوس گردید که در این مدت از کتابت حدیث باز ماند.

ابوعبید پس از آن به طاهریان پیوست و هنگامی که طاهر بن حسین در سال ۱۹۵ هجری به مرو

آمد، شخصی را خواست تا در شب‌ها با وی صحبتی داشته باشد؛ چون قاسم بن سلام برایش معرفی شد، طاهر فوشنجی وی را شخصی جامع علوم یافت. طاهر بن حسین از قاسم بن سلام تقدیر بسیار می‌کرد. هنگامی که به یکی از جنگ‌ها به سوی خراسان رهسپار می‌شد، هزار دینار برای قاسم بن سلام داد که تا بازگشتش به مصرف خویش رساند. در این هنگام ابو عبید به تألیف «الغریب المصنف» پرداخت و تا بازگشت طاهر بن حسین، آن را به اتمام رساند (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ج ۱۴، ص ۳۹۲).

جایگاه علمی و مناعت طبع ابو عبید باعث شده بود که وی همیشه مورد حمایت عبدالله بن طاهر قرار گیرد. هنگامی که او کتاب غریب الحدیث را نوشت و آن را به امیر طاهری عبد الله بن طاهر عرضه داشت، امیر برایش گفت: عقلی که صاحبش را به تألیف چنین کتابی واداشته باشد سزاوار است که به طلب معاش نیازمند نباشد. لذا در هر ماه ده هزار درهم برای وی مقرر داشت تا مساعدتی برای ابو عبید باشد و او که در طلب علم است، به طلب معاش نیازمند نباشد.

در آئینه افکار اهل علم

ابو عبید قاسم بن سلام در نگاه اهل علم و دانش بسیار عزیز و با شکوه بوده و او را به دیده قدر می‌نگریسته‌اند. از امام احمد بن حنبل روایت شده که او را به خیر توصیف کرده و در موردش گفته است: «ابو عبید قاسم بن سلام از کسانی است که هر روز در نزد ما خیر و برکتی را مزید می‌گرداند» (النوری، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۱۶۲). همچنان عبد الله بن فرزند امام احمد بن حنبل گفته که کتاب «غریب الحدیث» ابی عبید را بر پدرم عرضه داشتم، آن را نیکو دانست و گفت که خداوند متعال او را جزای خیر دهد (خطیب بغدادی؛ ۱۴۲۲: ج ۱۴، ص ۳۹۲). به همین گونه ابو قدامه گفته است که از احمد بن حنبل شنیدم که گفت: ابو عبید جایگاه استادی دارد (نوری، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۱۶۲).

سخنان دانشمندان در باره ابو عبید می‌رساند که وی از افراد نخبه‌یی بوده است؛ چنان که نظیر او را در میان امت اسلامی کمتر می‌توان سراغ داشت. از هلال بن العلاء الرقی روایت شده که گفته است: «خداوند با چهار شخص در چهار زمان، بر این امت احسان کرده است: با شافعی که به حدیث نبوی دانشمند گردید، با احمد بن حنبل که در محنت دین ثابت قدم ماند؛ با یحیی بن معین که دروغ را از حدیث رسول الله، صلی الله علیه و سلم، دفع کرد و به ابی عبید قاسم بن سلام

که سخنان غریب از احادیث نبوی را تفسیر کرد و اگر او چنین نمی کرد، مردم در احادیث به خطا فرو می رفتند» (داوودی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۵۴).

عبد الله بن طاهر که یکی از امیران دانشمند و حاکمان صاحب نظر در حوزه علوم بود گفته است: «چهار شخصیت در زمان شان برای مردم ارزشمند بودند: ابن عباس در عهد خویش، شعبی در زمانه اش، قاسم بن معن در دوره خود و ابو عبید قاسم بن سلام در زمانه خویش» (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ج ۱۴، ص ۳۹۲).

عبدالله بن طاهر در شعر مرثیه‌یی که در وقت وفات ابو عبید خوانده، او را با دانشمندی چون عبد الله بن عباس، عامر الشعبي، قاسم بن معن برابر دانسته و او را قهرمان میدان دانش و ادب شمرده است. این بیانگر جایگاه بلند وی در علم و ادب است. بخشی از آن مرثیه چنین است:

مات الذی کان فیکم ربعاً أربعة	لم یؤت مثلهم إستاراً أحکام
حَبْرُ البریةِ عبدُ الله أولهم	وعامر، وَلَنِعمَ الثَّاوِ یا عامی
هما اللذان أنافا فوقَ غیرهما	والقاسمان ابن معن وابن سلام

(داوودی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۵۸)

در حوزه اندیشه و فکر

از آنجا که ابو عبید قاسم بن سلام هروی در قرون اولیه اسلامی می زیسته و معاصر برخی از امامان اهل سنت بوده است، در عقیده و تفکرات خویش، همانند سایر اهل اجتهاد و ائمه راه موافق با نصوص شرعی را اختیار کرده و از تأویلات نادرست دوری می جست. ذهبی در اثرش «العلو للعلی الغفار» با سلسله اسنادش از عباس دوری، از ابی عبید روایت کرده که وی در مورد احادیث رؤیت پروردگار، کرسی، موضع قدمین، ضحک (خنده) پروردگار و حدیث سؤال و جواب، و نیز در مورد صفت علو اوتعالی گفته است: این‌ها همه احادیث صحیحی اند که اصحاب حدیث و فقها آن را به طور مسلسل روایت کرده اند و این امور در نزد ما حق اند که در آن‌ها شکی وجود ندارد؛ اما هرگاه کیفیت این امور از ما پرسیده شود، می گوییم که ما این‌ها را تفسیر نمی کنیم و کسی را نشنیده ایم که به تفسیر آن‌ها پرداخته باشد (الذهبی، ۱۴۱۶: ص ۱۷۳).

دانش گستری و تألیفات

ابو عبید قاسم بن سلام نزد شمار زیادی از اهل علم آموزش دید، به آموزش حدیث، فقه و سایر

علوم پرداخت. سرانجام در علوم روزگار خویش امام عصر و سردار زمانه‌اش گردید و در علوم متعددی نبوغ و شهرت یافت. تذکره نویسان، شمار زیادی از دانشمندان را که ابو عبید نزد شان به فراگیری علم پرداخته بود ذکر کردند. صفوان عدنان داوودی، در مقدمه «الغریب المصنف» که یکی از تألیفات معروف ابو عبید قاسم بن سلام است، به تعداد ۳۶ نفر از شیوخ و استادان وی را ذکر کرده است. از جمله معروفترین شیوخ و استادان وی، شریک بن عبد الله، اسماعیل بن جعفر، سفیان بن عیینه، یحیی بن سعید القطان، ابی زید الأنصاری، الأصمعی، الکسانی، الفراء، عبد الله بن المبارک، امام ابویوسف قاضی، امام محمد بن حسن شیبانی و امام شافعی نام برده شده اند. وی از امام ابویوسف حدیث شنید و در فقاہت وی امام محمد بن حسن شیبانی بسیار مؤثر دانسته شده است (داوودی، ۱۴۱۴ ی: ج ۱، ۲۵۰).

ابو عبید ضمن تألیف آثار مفید و ارزشمند، در نشر و اشاعه علوم و آموخته‌های علمی‌اش کوشش فراگیر کرد و شاگردان زیادی را بهره‌مند ساخت. شمار زیادی که همه ثقه و معروف اند از وی علم آموختند، از برکات صحبت و علم او مستفید گشته اند و در دانش و تقوا مشهور آفاق شدند. صفوان عدنان داوودی، در مقدمه «الغریب المصنف» ۳۵ نفر از شاگردان وی را یادآوری کرده که از معروفترین آنان، محمد بن سعید الهروی، ابو بکر ابن ابی الدنیا، امام احمد بن حنبل، یحیی بن معین، مأمون خلیفه عباسی، امام محمد بن اسماعیل بخاری، امام مسلم، حافظ أبو داود صاحب السنن، امام ترمذی، احمد بن یحیی البلاذری صاحب فتوح البلدان، عبد الله بن عبد الرحمن الدارمی السمرقندی و دیگران را می‌توان نام برد (داوودی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۵۳).

آثار ابو عبید

ابو عبید آثار زیادی را در علوم گوناگون تصنیف کرده است. شماری از آثارش که در باب علوم قرآن، فقه، غریب و امثال نوشته شده شهرت یافته اند و مردم آن‌ها را برای یکدیگر روایت نموده اند؛ اما تعدادی از مؤلفاتش به دسترس عموم مردم قرار نگرفته و مفقود گردیده است (داوودی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۵۹). معرفی آثار موجود ابو عبید نیاز بحثی جداگانه دارد؛ اما نام تألیفاتش که در تذکره‌ها از آن‌ها یاد شده قرار زیر است.

۱. غریب الحدیث؛ ۲. الغریب المصنف؛ ۳. الأمثال؛ ۴. معانی القرآن؛ ۵. الأموال؛ ۶. فضائل

القرآن؛ ۷. الناسخ والمنسوخ؛ ۸. معانی القرآن؛ ۹. الإیمان ومعالمه؛ ۱۰. ما ورد فی القرآن الکریم من لغات العرب؛ ۱۱. الأجناس من کلام العرب و ما اشتبه فی اللفظ واختلف فی المعنی؛ ۱۲. کتاب السلاح؛ ۱۳. النعم والبهاائم والوحش والسباع والطیر والهوام وحشرات الأرض؛ ۱۴. کتاب الشواهد؛ ۱۵. کتاب الإيضاح؛ ۱۶. کتاب الخطب والمواعظ؛ ۱۷. کتاب فعل وأفعّل؛ ۱۸. کتاب القراءات؛ ۱۹. کتاب غریب القرآن؛ ۲۰. کتاب عدد آی القرآن؛ ۲۱. کتاب آداب الإسلام؛ ۲۲. کتاب أدب القاضي؛ ۲۳. کتاب الأحداث؛ ۲۴. کتاب استدراک الخطأ؛ ۲۵. کتاب الأضداد؛ ۲۶. کتاب الأمالی؛ ۲۷. أنساب العرب؛ ۲۸. أنساب الخیل؛ ۲۹. الإیمان والندور؛ ۳۰. الحجر والتفلیس؛ ۳۱. کتاب الحیض؛ ۳۲. الرحل والمنزل؛ ۳۳. کتاب الطهارة؛ ۳۴. المذکر والمؤنث؛ ۳۵. معانی الشعر؛ ۳۶. کتاب الشعراء؛ ۳۷. المقصور والممدود؛ ۳۸. کتاب النسب؛ ۳۹. کتاب النکاح؛ ۴۰. مقاتل الفرسان؛ ۴۱. کتاب مقتل الحسین.

غریب المصنف اثر مهمی از قاسم بن سلام است که آن را با کتاب غریب الحدیث در مدت چهل سال تألیف کرده است و بیان جایگاه علمی آن بحثی جداگانه می‌خواهد (داوودی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۲۶۰). این اثر ابو عبید کتابی بسیار مفید است که معانی غرایب الفاظ و کلمات نادر احادیث نبوی، صلی الله علیه وسلم، را با توجه به نحوه استعمال در زبان عربی، توسط قبایل گوناگون آن دیار و با توجه به تجاری که خود از زبان عربی داشته، بیان کرده است؛ از اینرو مورد توجه ابن سینا قرار گرفته است.

ابو عبید در سال ۲۱۳ هجری با یحیی بن معین به سوی مصر روی آورد. در آنجا از دانشمندانی حدیث و علم آموخت؛ سپس به سوی دمشق رهسپار شد تا از آن سرزمین نیز بیاموزد. بعد از آن به سوی بغداد بازگشت و در سال ۲۱۹ ه.ق. جهت ادای فریضه حج به سوی مکه رفت و در آنجا مقیم گشت تا که از جهان رحلت یافت (داوودی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۵۷).

نتیجه

از آنچه در این مقاله گفته آمد بدین نتایج دست می‌یابیم که ابو عبید قاسم بن سلام از نام آوران عرصه دانش و ادب هرات باستان در قرن‌های نخستین اسلامی است. او که متولد هرات بوده از شخصیت‌های مذهب و دارای مناعت نفس بوده و در فقه و علوم اسلامی به درجه اجتهاد دست یافته بوده است. جایگاه ابو عبید در ادبیات و سایر علوم روزگارش برانزده بوده است و او را به

عنوان مقتدا در این فنون می‌دانند. ابو عبید در تفکر و عقیده شخصیتی ارزشمند بوده و در این حوزه روش سلف صالح را اختیار کرده و پایبندی به نصوص را ترجیح داده است. ابو عبید در روایت حدیث نیز جایگاه والا داشته و او را اهل نقد، ثقه و معتمد شمرده‌اند. بزرگان ادب و دانش همیشه در آثار شان ابو عبید را ستوده‌اند و از آثار او استفاده برده‌اند. نقش ابو عبید در انتشار و گسترش دانش‌های روزگارش ارزنده بوده و او را در این بخش سرآمد روزگارش باید دانست؛ چه آثار گرانبهایش در همان دوره و در دوره‌های بعد تا امروز بسیار ارزشمند تلقی شده و همواره مورد استفاده اهل دانش و تحقیق قرار گرفته و در پژوهش‌های علمی به عنوان مأخذ به شمار آمده‌اند.

منابع

۱. أبو زید، بکر بن عبد الله بن محمد بن عبد الله بن بکر بن عثمان بن یحیی بن غیهب بن محمد. (۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م). **طبقات النسائین**. الرياض: چاپ اول. دار الرشید.
۲. بخاری، أبو عبد الله محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغیره. (۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م). **الأدب المفرد بالتعليقات. حقه وقابله علی أصوله**: سمیر بن أمین الزهیری، مستفیداً من تخریجات وتعلیقات العلامة الشیخ المحدث: محمد ناصر الدین الألبانی. ریاض: چاپ اول. مکتبه المعارف للنشر والتوزیع.
۳. خطیب البغدادی، أبو بکر أحمد بن علی بن ثابت بن أحمد بن مهدی. (۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۲ م). **تاریخ بغداد**. تحقیق بشار عواد معروف. ۱۶ جزء، بیروت: چاپ اول. دار الغرب الإسلامی.
۴. داوودی، صفوان عدنان. (۱۴۱۴ و ۱۴۱۶). «مقدمه الغریب المصنف ابو عبید قاسم بن سلام». دوجلد. مدینه منوره: چاپ اول. مجله الجامعة الإسلامیة بالمدينة المنورة.
۵. ذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز. (۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۵ م). **العلو للعلی الغفار فی ایضاح صحیح الأخبار وسقیمها**. تحقیق أبو محمد أشرف بن عبد المقصود. ریاض: چاپ اول. مکتبه اضواء السلف.
۶. ذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز. (۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵ م). **سیر أعلام النبلاء**. تحقیق جمعی از محققان با اشراف شیخ شعیب الأرناؤوط. ۲۵ جلد. بیروت: مؤسسة الرسالة.

۷. سبکی، تاج الدین عبد الوهاب بن تقی الدین. (۱۴۱۳هـ.). طبقات الشافعية الكبرى. تحقیق محمود محمد الطناحی و عبد الفتاح محمد الحلو. ده جلد. هجر: چاپ دوم. للطباعة والنشر والتوزيع.
۸. صفاء، ذبیح الله. (۱۳۸۹هـ.ش). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: چاپ سیزدهم. انتشارات دیبا.
۹. قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود. (؟). آثار البلاد وأخبار العباد. بیروت: دار صادر.
۱۰. قفطی، جمال الدین أبو الحسن علی بن یوسف. (۱۴۲۴هـ.). إنباه الرواة علی أنباه النحاة. ۴ مجلد. بیروت: چاپ اول. المكتبة العنصریه.
۱۱. نوری، سید ابو المعاطی؛ عید، احمد عبد الرزاق و خلیل، محمود محمد. (۱۴۱۷ هـ / ۱۹۹۷ م). موسوعة أقوال الإمام أحمد بن حنبل فی رجال الحديث وعلله. چهار جلد. بیروت: طبع نخست. عالم الكتب.